

فروردین یشت

چکامه‌ئی کهن در ستایش زندگی

«یشتها» یکی از دل انگیزترین و شاعرانه‌ترین بخشهای کتاب کهن «اوستا»ست. هر يك از «یشتها» چکامه‌ئی است شیوا و دلکش در ستایش و نیایش یکی از امشاسپندان (مهبین فرشتگان) یا ایزدان؛ مانند «آبان یشت» در ستایش «اناھیتا» و «مهر یشت» در ستایش «میترا» و جز آن.

«فروردین یشت» (۱) یکی از این چکامه‌های کهن است که به ستایش و نیایش «فرورد» (۲)ها اختصاص دارد. اما چون ژرف در آن بنگریم و غور-رسی کنیم، خواهیم دید که این «یشت» یکی از کهن‌ترین چکامه‌های ادبیات ایرانی است در ستایش زندگی و آفرین انسان.

در آغاز این «یشت» از شکوه و نیروی «فرورد»ها سخن میرود و «اهورامزدا» به «زرتشت» میگوید که در کار آفرینش جهان و هر چه در آنست همواره از فروغ و فر «فرورد»ها یاری‌جسته و نیرو گرفته است و اگر باری و پشتیبانی آنان نبود نه این جهان پدید می‌آمد و نه بهترین آدمیان و جانوران بر جا میماندند و سرانجام دروغ نیرو میگرفت و فرمانروای جهان میشد و «سپندمینو» (۳) از «انگره مینو» (۴) شکست میخورد:

ای زرتشت!

از فروغ و فر آنان است که من آسمان را در بالا نگاه

(۱) Farvardin yasht (۲) Farvard یا Faravahr یا

Faravashi یکی از نیروهای پنجگانه آدمیان و همه آفریدگانست که پیش

از آفرینش بوده و پس از مرگ هم خواهد بود (۳) Sepandmînu :

خردپاك مینوی اهورامزداست (۴) Angaramînu : منش ناپاك و خبیث

آفرینش است که در فارسی به اهریمن شهرت دارد

میدارم تا از فراز [کیهان بر زمین] فروغ بیفشاند و زمین
و گرداگرد آنرا بسان خانه‌ئی فرا گیرد... (بند دوم)
از فروغ و فرآنان است که من زمین فراخ اهورا آفریده
را نگاه میدارم. این [زمین] بلند و گسترده را که در
جهان خاکی بسی چیزهای زیبا از جاندار و بیجان و
کوههای بلند دارای چراگاهها و آب فراوان، در آغوش
دارد. (بند نهم)

در روی این [زمین] رودهای پر آب روانست و برای
نگاهداری ستوران و مردمان و جانوران پنجگانه (۱) و
مردان پاک و سرزمینهای ایرانی برپهنه آن گیاههای
گوناگون میروید. (بند دهم)

اگر فروهرهای توانای پاکان مرا یاری نمیکردند،
بهترین آدمیان و جانوران در اینجا برای من برجا
نمیماندند، دروغ نیر و ملیگرفت و فرمانروا میشد و جهان
خاکی از آن دروغ میگردید. (بند دوازدهم)

از فروغ و فرآنان است که آبها از سرچشمه‌های خشک
ناشدنی روانست، از فروغ و فرآنان است که [برپهنه]
زمین گیاهها از سرچشمه‌های خشک ناشدنی رویانست
از فروغ و فرآنان است که بادهای پراکننده ابراز
سرچشمه‌های خشک ناشدنی وزانست. (بند چهاردهم)

(۱) جانوران آبی و خزندگان و پرندگان و جانوران سودمند آزاد

آنگاه چکامه، درستایش و آفرین «فرورد»ها دنبال میشود و سراینده در آغاز، «فرورد» امشاسپندان و ایزدان و دیگر مینویان رامیستاید و سپس به انسان میپردازد و «فرورد» همه نیکان و پاکان را از «کیومرث» (۱) تا «سوشیانت» (۲) سپاس میگذارد و درستایش «فرورد» انسان میگوید که آبها و گیاهان و اختران پس از آفرینش تا دیر زمانی روان و رویان و گردان نبودند و به یاری «فرورد» های آدمیان بود که آنها در جنبش و تکاپو آمدند و زندگی آغاز کردند :

فروهرهای نیک توانای پاک پارسایان را میستائیم که
به آبهای مزدا آفریده راهی [درخشان] بنمودند -
[آبهای] که پس از آفرینش دیر زمانی بر جای مانده،
روان نبودند (بند پنجاه و سوم)

اما کنون برای خشنودی «اهورامزدا» و «امشاسپندان»
در راه مزدا آفریده به سوی جاهای برگزیده فرشتگان
و [سرزمینهای] پر آب که از پیش باز نهاده شده است،
روانند. (بند پنجاه و چهارم)

فروهرهای نیک توانای پاک پارسایان را میستائیم که به
گیاهان برومند، باغهای زیبا بنمودند. [گیاهانی] که
پس از آفرینش دیر زمانی بر جای مانده، رویان نبودند.
(بند پنجاه و پنجم)

اما کنون برای خشنودی «اهورامزدا» و «امشاسپندان»
در سرزمین مزدا آفریده، در جاهای برگزیده فرشتگان

(۱) کیومرث که در شاهنامه نخستین پادشاه خوانده شده، در اوستا نخستین انسان است (۲) Soshyânt: موعود ایرانی است که بنا بر داستانهای اوستا در پایان جهان از تخمه زرتشت زاده خواهد شد و جهان را به داد و آبادی خواهد رسانید.

و به هنگامی که از پیش باز نهاده است ، رویانند . (بند پنجاه و ششم)

فروهرهای نیک توانای پاک پارسایان را میستائیم که به ستارگان و ماه و خورشید و «انیران» (۱) راههای پاک بنمودند. [ستارگان و ماه و خورشید و انیران] که پیش از این دیر زمانی از ستیزه و کشمکش دیوان برجای مانده ، شتابان نبودند. (بند پنجاه و هفتم)

اما اینک به پایان راه گرایند تا به واپسین پایگاه گردش [خویش] به روزگار خوش دیگر گونی [جهان] (۲) رسند. (بند پنجاه و هشتم)

« فروردین یشت » را بویژه در هنگام برگزادی جشن نوروز یعنی هنگامی که « فرورد » های نیاکان و درگذشتگان برای مدت ده شبانروز به خانه و کاشانه دیرین خویش باز میگردند و در کار بازماندگان خود نگرانند ، میخوانند ، هر یک از « فرورد » ها که خانه و دودمان و کسان خویش را پاک و آراسته و شاد و خندان و کوشا ببیند ، شادمان و سرافراز به جهان مینوی باز میگردد و برای خانه و دیه و شهر و میهن خود آرزوی شادکامی و بهروزی میکند و اگر خانه و کسانش را چنان نبیند ، غمگین و سرافکنده باز میگردد . از این روست که ایرانیان به هنگام نوروز با شتاب و شوق فراوان خانه و جامه و زندگی خویش را آراسته و پیراسته میکنند و خندان و شادان چشم براه این میهمانان مینوی مینشینند تا آنان بدانجا بیایند و شاد و سربلند از خانه دیرین خود باز گردند و آن خانه از آرزوهای نیک آنان برخوردار شود . آنچه « فرورد » ها برای خانمان و کسان خویش آرزو میکنند و بجا

(۱) انیران : جایگاه فروغ بی پایان (با انیران به معنی نا ایرانی و دشمن ایرانی که از ریشه دیگری است اشتباه نشود) (۲) اشاره به هنگام برخاستن «سوشیانت» موعود ایرانی و پاک شدن جهان از تیرگی اهریمنی است .

میآورند، نشانه و نمودار آرزوهای زنان و مردان کهن ایرانی و نمایشگر روح آزاده و پهلوان و منش پاك و بی آرایش آنان است :

هر يك از [فروهرها] که کامیاب گردد، آب را به خانواده و دینه و شهر و سرزمین خود میرساند و میگوید :

سرزمین ما باید خرم و سرسبز گردد و [گیاهانش] بروید.
(بند شصت و هشتم)

(فروهرها آرزو میکنند) این خانه از انبوه ستوران و مردان بهره مند باد ! از اسب تیزتك و گردونه استوار بر خودار باد ! از مردان پایدار زبان آور بهره و رباد !
(بند پنجاه و دوم)

همچنین آنچه از زبان سرایندگان «فروردین یشت» آرزو میشود ، نماینده خواستهای نیک و اهورامی آرزومندان است :

باشد که فروهرهای نیکان بزودی در اینجا به دیدار ما آیند. باشد که آنان به یاری ما شتابند. باشد که ما را به هنگامی که در تنگنا هستیم با پشتیبانی آشکار نگاهداری کنند (بند صد و چهل و ششم)

ای فروهرهای پارسایان ! ای خوبان ! ای آبها ! ای گیاهان ! فرود آید و شادمان و گرامی در این خانه بسر برید... (بند صد و چهل و هفتم)

چنین است شمه‌ئی از آنچه در «فروردین یشت» یکی از کهن‌ترین چکامه‌های ایرانی در ستایش زندگی و انسان آمده و از نیاکان چندین هزار ساله ما به یادگار مانده است .